

The Effects of a Mindfulness-Based Intervention on Emotion Regulation and Body Image Concern in Women With Binge Eating Disorder

*Jahed T¹, Eskandari H¹, Barjali A¹

Author Address

1. Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

*Corresponding author's email: jahedtamaz@gmail.com

Received: 2019 December 9; Accepted: 2020 January 27

Abstract

Background & Objectives: One of the most prevalent eating conditions is Binge Eating Disorder (BED). In examining the factors affecting eating disorders, researchers recognized that one of the most frequent issues in individuals with eating disorders is the concern with body image. The effects of failure to regulate emotions can increase the odds of an excessive disorder. Once Emotion Regulation (ER) fails, self-regulation in other contexts can also present control over eating behaviors. Besides, numerous issues are encountered by women with BED. ER and body image concern is of significant importance in eating disorders. Additionally, mindfulness training focuses on awareness about emotions; thus, it may be effective in appropriately regulating emotions and reducing their anxiety regarding their body image. The present study aimed to investigate the effects of a mindfulness-based intervention on ER and body image concern among females with BED.

Methods: This was a quasi-experimental study with a pretest-posttest and a control group design. The statistical population of this study consisted of all women referring to obesity treatment centers in Rasht City, Iran, in 2019; of whom, at least 15 should have been included in the current experimental research. Thirty subjects ($n=15/\text{group}$) who met the Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders-Fifth Edition (DSM-5) criteria for BED were selected and randomly assigned to the experimental and control groups. The inclusion criteria of the study were as follows: women with BED; providing a written informed consent form to participate in the research; not receiving other training or medical interventions simultaneously, and presenting no physical or mental illnesses. The exclusion criteria of the study included no binge eating; reluctance to participate or continuing the research; receiving simultaneous training or other therapeutic interventions, and having chronic physical and mental illnesses. The Emotion Regulation Scale (Gross & John, 2003) and the Body Image Concern Inventory (Littleton et al., 2005) were used for data collection. The experimental group received training for eight 90-minute sessions based on mindfulness protocol (Segal et al., 2018). Data analysis was performed using multivariate analysis of covariance and univariate analysis of covariance at the significance level of 0.005 in SPSS.

Results: The present study results suggested that in the posttest stage, there was a significant difference between the mean scores of the research groups in terms of suppression ($p<0.001$) and reappraisal ($p<0.001$). Furthermore, there were significant differences between the mean posttest scores of the study groups concerning body image concerns ($p<0.001$).

Conclusion: According to the present study results, the provided mindfulness-based intervention could effectively increase ER (including increased reappraisal & reduced emotional suppression) and reduced body image concerns in women with BED; both of which are variables that cause eating disorders. Therefore, more attention is required by health authorities to the role of mindfulness-based interventions on different aspects of health in different groups of society.

Keyword: Emotion regulation, Body image concerns, Mindfulness, Binge eating.

اثربخشی مداخله مبتنی بر ذهن آگاهی بر تنظیم هیجان و نگرانی از تصویر بدن زنان با اختلال بیش خوری

*طناز جاها، حسین اسکندری^۱، احمد برجعلی^۱

توضیحات نویسندگان

۱. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
* رابانامه نویسنده مسئول: jahedannaz@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۸ آذر ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۷ بهمن ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: از مشکلات رایج در افراد مبتلا به اختلال بیش خوری، نگرانی از تصویر بدن است و یکی دیگر از مکانیزم‌های مؤثر بر رفتار خوردن هیجانی در این افراد، نارسایی در تنظیم هیجان است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی مداخله مبتنی بر ذهن آگاهی در بهبود تنظیم هیجان و کاهش نگرانی از تصویر بدن در زنان مبتلا به بیش خوری بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زنان مراجعه‌کننده به کلینیک‌ها و مراکز درمان چاقی شهر رشت در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. از بین آن‌ها سی نفر (پانزده نفر برای هر گروه) مبتلا به بیش خوری به صورت دردسترس انتخاب شدند و به طور تصادفی در گروه آزمایش و گروه گواه گمارده شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، مقیاس تنظیم هیجان (گراس و جان، ۲۰۰۳) و پرسشنامه نگرانی از تصویر بدنی (لینتون و همکاران، ۲۰۰۵) به کار رفت. گروه آزمایش براساس پروتکل ذهن آگاهی سگال و همکاران (۲۰۱۸) به مدت هشت جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش دریافت کرد؛ اما گروه گواه هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس در سطح معناداری ۰/۰۵ به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ صورت گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین گروه‌های آزمایش و گواه از نظر ابعاد فرونشانی و ارزیابی مجدد ($p < ۰/۰۰۱$) و نگرانی از تصویر بدنی تفاوت معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۰۱$).
نتیجه‌گیری: باتوجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت، آموزش ذهن آگاهی در افزایش تنظیم هیجانی (شامل افزایش ارزیابی مجدد و کاهش فرونشانی هیجانی) و کاهش نگرانی از تصویر بدنی در زنان مبتلا به بیش خوری تأثیر دارد و نیاز است درمانگران به کاربرد ذهن آگاهی در درمان افراد مبتلا به بیش خوری توجه هرچه بیشتر کنند.
کلیدواژه‌ها: تنظیم هیجان، نگرانی از تصویر بدنی، ذهن آگاهی، بیش خوری.

چالش‌انگیزترین اختلال روان‌پزشکی به‌منظور درمان، اختلالات خوردن است که در راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی- نسخه پنجم^۱ با عنوان اختلالات تغذیه و خوردن نام‌گذاری شده است (۱). یکی از اختلالات رایج مربوط به خوردن و خوراک اختلال بیش‌خوری است. اختلال بیش‌خوری^۲ به خوردن مقادیر انبوهی غذا در مدتی کوتاه اشاره دارد. افراد مبتلا به این اختلال در مدتی کوتاه به مقدار زیاد و بیش‌ازحد معمول غذا می‌خورند. همچنین این اختلال که شایع‌ترین اختلال خوردن و رایج‌ترین مشکل روان‌پزشکی بین زنان جوان است، در زنان بیشتر از مردان وجود دارد؛ به‌طوری‌که شیوع آن در زنان نسبت به مردان ۴ درصد به ۲ درصد است (۲). شواهد پزشکی نشان می‌دهد، بیش‌خوری موجب بروز مشکلات جدی برای سلامتی همچون فشارخون زیاد، دیابت، افزایش کلسترول و به‌دنبال آن مشکلات قلبی-عروقی می‌شود. همچنین بیش‌خوری و به‌تبع آن چاقی، خطر حمله قلبی و اشکال خاصی از آرتروز، کاهش کیفیت زندگی و مرگ پیش از موقع را موجب می‌شود (۳). در بررسی عوامل مؤثر بر بیش‌خوری، محققان معتقد هستند که از مشکلات رایج در افراد مبتلا به اختلال بیش‌خوری، نگرانی از تصویر بدن است (۴). تصویر بدنی^۳ به معنای بازنمایی درونی ظاهر بیرونی فرد است که این بازنمایی، ابعاد جسمانی، ادراکی و نگرش درباره آن‌ها را در بر می‌گیرد. تصویر ذهنی بدنی از دو بعد تشکیل شده است: بعد ادراکی (ارزیابی فرد از اندازه‌های بدنش)؛ بعد احساس شناختی (نگرش فرد درباره شکل اندامش) (۵). اختلال در تصویر بدنی به‌عنوان ویژگی رایجی در بروز و تداوم اختلالات بالینی مرتبط با خوردن نشان داده شده است که با تغییرات در تجربه بدنی فرد مشخص می‌شود. معمولاً نبود رضایت از وزن یا ابعاد بدن در افراد مبتلا به اختلالات خوردن به‌وفور دیده می‌شود (۶)؛ به‌طوری‌که طبق نتایج بررسی‌های صورت‌گرفته مشخص شده است که افراد با تصویر ذهنی منفی و برداشت نادرست از بدنشان احتمالاً بیشتر به اختلال خوردن همچون پرخوری مبتلا می‌شوند (۷). در تحقیق دیگری در این زمینه لور و همکاران دریافتند که نگرانی از تصویر بدن با اختلال بیش‌خوری مرتبط است (۸). این درحالی است که ادبیات پژوهشی موجود نشان می‌دهد، درصورت کاهش نارضایتی از تصویر بدن، اختلالات مرتبط با خوردن نیز کاهش می‌یابد (۹)؛ بنابراین انجام مداخلات درمانی و آموزشی برای بهبود تصویر بدنی و درنتیجه کاهش اختلالات خوردن ضروری به‌نظر می‌رسد.

یکی دیگر از مکانیزم‌های تأثیرگذار بر رفتار خوردن هیجانی در افراد مبتلا به بیش‌خوری، نارسایی در تنظیم هیجان است (۱۰). تنظیم هیجان؛ فرایندی است که در آن احساسات گواه و تنظیم می‌شود و به‌نوبه خود به گواه رفتار نیز کمک می‌کند (۱۱). درخصوص تأثیر نارسایی در تنظیم هیجان بر افزایش احتمال اختلال بیش‌خوری نتایج مطالعات موجود نشان می‌دهد، هیجانات بر انتخاب غذا و رفتارهای خوردن به‌شدت اثر می‌گذارند (۱۲). به عبارت دیگر، اگر تنظیم هیجانات دچار شکست شود، خودتنظیمی در دیگر زمینه‌ها مانند

گواه روی رفتار خوردن نیز می‌تواند شکست بخورد؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد که مدل‌های توضیح رفتار خوردن مفرد در اختلال پرخوری و خوردن مفرد در چاقی، مربوط به شکست در خودتنظیمی به‌دلیل احساسات شدید باشد (۸). در این زمینه دینگمن و همکاران در تحقیقی نشان دادند که هیجانات و مشکلات در آن، بر انتخاب غذا و رفتارهای خوردن اثرگذار است (۱۳).

به‌طور کلی تحقیقاتی که به بررسی عوامل مؤثر بر اختلالات خوردن پرداخته‌اند، مبین نقش هیجان و مدیریت آن و همچنین نگرانی از تصویر بدن در بروز بیش‌خوری هستند (۱۰-۸). در این بین، درمان مبتنی بر ذهن‌آگاهی با توجه به تأکید بر هیجانات و توجه‌کردن به زمان حال به‌شیوه‌ای خاص و هدف‌مند و خالی از قضاوت‌بودن، درمان مناسبی به‌نظر می‌رسد. ذهن‌آگاهی یعنی بودن در لحظه با هر آنچه اکنون است؛ بدون قضاوت و بدون اظهار نظر درباره آنچه اتفاق می‌افتد؛ یعنی تجربه واقعی محض بدون توضیح (۱۴). تاملینسون و همکاران در تحقیقی دریافتند که ذهن‌آگاهی با سلامت روان، نشخوار ذهنی کم و پردازش و تنظیم هیجان بهتر رابطه مستقیم دارد (۱۵). مرادی و ثمری تأثیر مثبت آموزش ذهن‌آگاهی را بر اضطراب و افسردگی و بهبود نگرش به تصویر بدن در زنان نشان دادند (۱۶). زمزمی و همکاران در پژوهشی مشخص کردند که مداخله رفتاری ذهن‌آگاهی باعث افزایش رضایت‌مندی از بدن می‌شود (۱۷). در مطالعه دیگری برمال و همکاران به این نتیجه دست یافتند که آموزش ذهن‌آگاهی می‌تواند در کمک به کاهش افسردگی، نشخوار ذهنی، بهبود شیوه حل مسئله و تنظیم شناختی هیجان مفید واقع شود (۱۸).

مرور ادبیات پژوهشی موجود نشان می‌دهد، اختلال بیش‌خوری نه‌تنها در بین زنان شیوع زیادی دارد، بلکه با عوارض نامطلوبی بر جوانب مختلف زندگی آن‌ها همراه است (۱۹) که شناسایی و بررسی عوامل مرتبط با اختلال بیش‌خوری و طرح‌ریزی برنامه‌های مراقبه‌ای و درمانی را به‌منظور کاهش اثرات این عوامل محسوس‌تر می‌کند؛ بنابراین، با توجه به مطالب ذکرشده درخصوص مسائل و مشکلات متعدد زنان مبتلا به اختلال بیش‌خوری و نیز اهمیت تنظیم هیجان و نگرانی از تصویر بدن در اختلالات خوردن (۱۰-۸)، آموزش مداخله ذهن‌آگاهی به این زنان ممکن است بر تنظیم مناسب هیجان و کاهش نگرانی آن‌ها از تصویر بدنی‌شان مؤثر باشد؛ بااین‌حال، باوجود تأیید اهمیت مداخله مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر ابعاد مختلف زندگی نمونه‌های پژوهشی مختلف، در کشور ما تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است که به بررسی اثربخشی مداخله مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر تنظیم هیجان و نگرانی از تصویر بدن زنان مبتلا به بیش‌خوری بپردازد. این امر اهمیت انجام تحقیق حاضر را بیشتر نشان می‌دهد؛ لذا هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی مداخله مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر تنظیم هیجان و نگرانی از تصویر بدن زنان با اختلال بیش‌خوری بود.

۲ روش‌بررسی

پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زنان مراجعه‌کننده به کلینیک‌ها و

^۳ Body image

^۴ Emotion regulation

^۱ Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders - Fifth Edition

^۲ Binge eating

مراکز درمان چاقی شهر رشت در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. از بین آن‌ها باتوجه به اینکه در تحقیقات آزمایشی حداقل نمونه باید پانزده نفر باشد (۲۰)، سی نفر (پانزده نفر برای هر گروه) دارای ملاک‌های تشخیص بیش‌خوری براساس DSM-5 (۱)، به‌صورت دردسترس انتخاب شدند و به‌طور تصادفی در گروه آزمایش و گروه گواه گمارده شدند. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان به تحقیق عبارت بود از: زنان مبتلا به بیش‌خوری؛ رضایت کتبی برای شرکت در تحقیق؛ قرارنگرفتن هم‌زمان تحت آموزش یا مداخله درمانی دیگر؛ نداشتن بیماری‌های جسمانی و روانی. ملاک‌های خروج شرکت‌کنندگان از تحقیق شامل مبتلانبودن به بیش‌خوری، تمایل نداشتن به شرکت در ادامه تحقیق، قرارگرفتن هم‌زمان تحت آموزش یا مداخله درمانی دیگر و داشتن بیماری‌های مزمن جسمانی و روانی بود. ابزارهای زیر در پژوهش به‌کار رفت.

– مقیاس تنظیم هیجان^۱: این مقیاس توسط گراس و جان در سال ۲۰۰۳ طراحی شد که از ده گویه تشکیل شده است (۲۱)؛ همچنین دارای دو خرده‌مقیاس ارزیابی مجدد (شش گویه) و فرونشانی (چهار گویه) است. پاسخ‌ها براساس مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۷) است و حداقل و حداکثر نمرات در این مقیاس ۱۰ تا ۷۰ است. ضریب آلفای کرونباخ در نسخه اصلی توسط گراس و جان برای ارزیابی مجدد ۰/۷۹ و برای فرونشانی ۰/۷۳ گزارش شد و اعتبار بازآزمایی بعد از سه ماه برای کل مقیاس ۰/۶۹ به‌دست آمد (۲۱). نسخه فارسی مقیاس تنظیم هیجانی گراس و جان

در جامعه ایرانی توسط مشهدی و همکاران هنجاریابی شده است. در پژوهش آن‌ها اعتبار مقیاس براساس روش همسانی درونی با دامنه آلفای کرونباخ ۰/۶۰ تا ۰/۸۶ و روایی پرسشنامه مذکور ازطریق تحلیل مؤلفه اصلی با استفاده از چرخش واریماکس، همبستگی بین دو خرده‌مقیاس (۱۳/۰) ($r=$) و روایی ملاکی مطلوب گزارش شد (۲۲).

– پرسشنامه نگرانی از تصویر بدن^۲: این پرسشنامه توسط لیتون و همکاران در سال ۲۰۰۵ ساخته شد (۲۳) و از نوع مداد-کاغذی و خودگزارشی و مشتمل بر ۱۹ عبارت است؛ همچنین براساس مقیاس پنج‌نمره‌ای لیکرت از هرگز (۱) تا همیشه (۵) ارزش‌گذاری شده است. نمره‌ای که هر شرکت‌کننده می‌تواند در این مقیاس کسب کند، بین ۱۹ تا ۹۵ خواهد بود (۲۳). اعتبار این پرسشنامه به‌روش همسانی درونی بررسی شد و ضریب آلفای ۰/۹۳ به‌دست آمد. ضریب همبستگی هریک از سؤالات با نمره کل پرسشنامه از ۰/۳۲ تا ۰/۷۳ با میانگین ۰/۶۲ بود. روایی همگرایی این ابزار ازطریق محاسبه ضریب همبستگی آن با پرسشنامه وسواس اجباری پادوا^۳ و پرسشنامه اختلال خوردن به‌ترتیب ۰/۶۲ و ۰/۴۰ به‌دست آمد (۲۳). محمدی و سجادی‌نژاد اعتبار این پرسشنامه را در ایران به دو شیوه دویمه‌سازی و همسانی درونی بررسی کردند که به‌ترتیب ضرایب اعتبار ۰/۶۶ و ۰/۸۶ به‌دست آمد. روایی سازه این پرسشنامه نیز نشان‌دهنده دو عاملی بودن پرسشنامه بود و درمجموع ۳۹/۸۸ از واریانس کل آزمون را تبیین کرد. ضریب همبستگی این عوامل با کل آزمون ۰/۸۲ و ۰/۸۷ گزارش شد (۲۴).

جدول ۱. محتوای جلسات آموزشی ذهن‌آگاهی

جلسه	خلاصه محتوای جلسات
اول	بیان قوانین و اهداف جلسات گروهی، خوردن کشمش ذهن‌آگاه (مراقبه‌ای است که در آن شرکت‌کنندگان چند دقیقه را صرف بررسی ویژگی‌های حسی-بینایی، بویایی، مزه و لمس یک دانه کشمش می‌کنند)؛ تکلیف خانگی: انجام واریسی بدنی در طی شش روز.
دوم	تمرین افکار و احساسات؛ تکلیف خانگی: ثبت وقایع خوشایند.
سوم	مراقبه نشسته؛ تکلیف خانگی: فضای تنفس سه دقیقه‌ای سه بار در هر روز. راه‌رفتن ذهن‌آگاه؛ تکلیف خانگی: راه‌رفتن ذهن‌آگاه.
چهارم	مراقبه دیدن/مراقبه شنیدن؛ تکلیف خانگی: مراقبه نشسته. مراقبه نشسته؛ تکلیف خانگی: فضای تنفس سه دقیقه‌ای نه‌تنها سه بار در روز بلکه در هر زمانی که متوجه استرس و هیجانات ناخوشایند می‌شوند.
پنجم	مراقبه نشستن؛ تکلیف خانگی: مراقبه نشستن هدایت‌شده. مراقبه نشسته تجسم؛ تکلیف خانگی: مراقبه هدایت‌شده کوتاه‌تر حداقل به‌مدت چهل دقیقه.
ششم	سناریوهای مبهم؛ تکلیف خانگی: فضای تنفس سه دقیقه‌ای نه‌تنها سه بار در روز بلکه در هر زمانی که متوجه استرس و هیجانات ناخوشایند می‌شوند.
هفتم	اشاره به ارتباط بین خلق و فعالیت؛ تکلیف خانگی: فضای تنفس سه دقیقه‌ای نه‌تنها سه بار در روز بلکه در هر زمانی که متوجه استرس و هیجانات ناخوشایند می‌شوند. بحث درباره نشانه‌های بیماری؛ تکلیف خانگی.
هشتم	واریسی بدنی، تکلیف خانگی، انعکاس، پس‌خوراند.

³. Padua Inventory

¹. Emotion Regulation Scale

². Body Image Concern Inventory

نسخه ۲۱ انجام پذیرفت. در جدول ۱ محتوای جلسات آموزشی ذهن‌آگاهی ارائه شده است.

در این تحقیق داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از آزمون پیش‌فرض‌های تحلیل کوواریانس همچون آزمون لوین برای سنجش همگنی کوواریانس و آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای سنجش نرمالیت‌بودن داده‌ها بررسی شد. علاوه‌براین در بررسی تفاوت بین گروه‌ها، آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره و چندمتغیره به‌کار رفت.

۳ یافته‌ها

در این مطالعه میانگین سنی زنان گروه آزمایش ۲۹/۸۰ با انحراف معیار ۵/۷۵ سال و میانگین سنی زنان گروه گواه برابر با ۳۱/۱۰ با انحراف معیار ۵/۲۱ سال بود. همچنین میانگین سنی کل شرکت‌کنندگان برابر با ۳۰/۴۵ با انحراف معیار ۶/۴۴ سال به‌دست آمد.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون تنظیم هیجان و نگرانی از تصویر بدنی در دو گروه

متغیر	مرحله	آزمایش		گواه	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
ارزیابی مجدد	پیش‌آزمون	۱۹/۹۰	۲/۷۰	۱۷/۶۰	۳/۳۳
	پس‌آزمون	۲۸/۵۰	۲/۳۲	۱۶/۴۰	۳/۱۵
	پیش‌آزمون	۱۷/۷۰	۲/۷۰	۱۸/۹۰	۳/۳۳
	پس‌آزمون	۱۰/۸۰	۱/۰۹	۱۷/۱۰	۲/۱۲
نگرانی از تصویر بدنی	پیش‌آزمون	۹۰/۵۰	۶/۷۰	۸۸/۷۰	۶/۰۳
	پس‌آزمون	۶۵/۷۰	۶/۸۴	۸۹/۶۰	۷/۴۱

پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها برقرار است ($p > 0.05$). اثر متقابل میان گروه و متغیرهای پیش‌آزمون (کوواریت‌ها) از لحاظ آماری معنادار نبود ($p > 0.05$)؛ بنابراین داده‌ها از فرضیه همگنی شیب رگرسیونی پشتیبانی کردند. همچنین برای اجرای تحلیل کوواریانس چندمتغیره آزمون لامبدای ویکلز به مقدار ۰/۱۱۷ و با احتمال $\alpha = 0.01$ بود که نشان داد حداقل در یکی از متغیرهای مقایسه‌شده بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد.

به‌منظور اجرای پژوهش حاضر مجوزهای لازم از دانشگاه اخذ شد و نیز هماهنگی با کلینیک‌ها و مراکز درمان چاقی شهر رشت صورت گرفت. سپس ضمن توضیح هدف تحقیق به شرکت‌کنندگان و بیان ملاحظات اخلاقی پژوهش همچون محرمانه‌ماندن مشخصات آن‌ها، رضایت آگاهانه اعضا برای شرکت در پژوهش جلب شد. در مرحله بعد، اعضای شرکت‌کننده پس از کسب ملاک‌های تشخیص بیش‌خوری براساس DSM-5 (۱)، به‌صورت تصادفی در گروه آزمایش و گروه گواه گمارده شدند و از هر دو گروه پیش‌آزمون گرفته شد. سپس گروه آزمایش براساس پروتکل ذهن‌آگاهی سگال و همکاران (۱۴) به‌مدت هشت جلسه ۹۰ دقیقه‌ای توسط محقق آموزش دریافت کرد؛ اما گروه گواه هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. بعد از اتمام جلسات گروه آزمایش، از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد. درنهایت تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری‌شده به‌کمک نرم‌افزار آماری SPSS

باتوجه به نتایج جدول ۲، بین نمرات پیش‌آزمون دو گروه آزمایش و گواه تفاوت چشمگیری وجود داشت. همچنین کاهش نمرات فرونشانی و نگرانی از تصویر بدنی و افزایش نمرات ارزیابی مجدد در پس‌آزمون گروه آزمایش درمقایسه با گروه گواه مشاهده شد.

نتایج پیش‌فرض نرمال‌بودن توزیع داده‌ها نشان داد که این فرض برای نمرات تنظیم هیجان و نگرانی از تصویر بدنی در هر دو نوبت آزمون برقرار است ($p > 0.05$). همچنین باتوجه به معنادارنبودن آزمون لون برای پیش‌آزمون-پس‌آزمون هر دو متغیر می‌توان نتیجه گرفت که

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری تفاوت متغیرها بین گروه‌ها

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	مقدار احتمال
فرونشانی	۱۲۴/۳۰۸	۱	۱۲۴/۳۰۸	۴۶/۷۱	< 0.001
ارزیابی مجدد	۵۶۳/۴۳	۱	۵۶۳/۴۳	۶۸/۲۰	< 0.001

نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری نشان داد، بین گروه‌ها از نظر ابعاد فرونشانی و ارزیابی مجدد تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0.001$)؛ بنابراین اثربخشی آموزش ذهن‌آگاهی در افزایش ارزیابی مجدد و کاهش فرونشانی معنادار است.

جدول ۴. تحلیل کوواریانس تک‌متغیره برای بررسی اثر مداخله بر نگرانی از تصویر بدنی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	مقدار احتمال
پیش‌آزمون	۵۹/۸۱	۱	۵۹/۸۱	۲/۷۶	۰/۱۴۱
گروه	۳۱۶۷/۲۴	۱	۳۱۶۷/۲۴	۱۵۷/۷۵	< 0.001
خطا	۳۴۱/۶۹	۱۷	۲۰/۰۹		
کل	۶۲۹۸۷	۲۰			

در جدول ۴ نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیره نشان داد، بین میانگین نمرات نگرانی از تصویر بدنی در دو گروه برحسب عضویت گروهی در مرحله پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0.001$)؛ بنابراین اثربخشی آموزش ذهن آگاهی در کاهش نگرانی از تصویر بدنی معنادار است.

۴ بحث

این تحقیق با هدف بررسی اثربخشی مداخله مبتنی بر ذهن آگاهی بر تنظیم هیجان و نگرانی از تصویر بدن زنان با اختلال بیش خوری انجام شد. نتایج به دست آمده از تحلیل داده های تحقیق حاضر نشان داد، آموزش ذهن آگاهی به زنان مبتلا به بیش خوری توانسته است نگرانی از تصویر بدن را در گروه مداخله درمقایسه با گروه گواه کاهش دهد. نتایج این پژوهش یعنی تأثیر معنادار آموزش ذهن آگاهی بر کاهش نگرانی از تصویر بدن زنان مبتلا به بیش خوری با نتایج تحقیقاتی همچون مطالعه مرادی و ثمری همسوست. آن ها نشان دادند، ذهن آگاهی مبتنی بر درمان شناختی-رفتاری، استرس، اضطراب، افسردگی و نگرش منفی به تصویر بدن را در زنان کاهش می دهد (۱۶). همچنین نتیجه حاصل از تحقیق حاضر با نتیجه پژوهش زمزمی و همکاران همخوانی دارد. آن ها مشخص کردند، مداخله رفتاری ذهن آگاهی باعث افزایش رضایت مندی از بدن می شود (۱۷).

نگرانی از تصویر بدنی بیش از آنکه ناشی از نقایص جسمانی باشد، زائیده تصویر ذهنی و باورها و عقاید منفی درباره بدن است؛ همچنین ذهن آگاهی با قضاوت درباره افکار و احساسات و تقسیم آن ها به خوب و بد و در نتیجه اجتناب از جنبه های منفی آن ها مخالف است؛ از این رو باعث می شود افراد به جای اجتناب از تجارب منفی و در نتیجه حل نکردن مسائل و افزایش پریشانی و نگرانی ناشی از ناتمام ماندن مسائل سعی در پذیرش و تجربه کامل همه امور منفی و مثبت کنند؛ بر این اساس از شر افکار و احساسات منفی ناشی از تلاش برای اجتناب از قسمت های منفی تجارب خود رها می شوند. لذا واضح است که در نتیجه این تأثیر ذهن آگاهی بر زنان مبتلا به اختلال بیش خوری، این افراد نگرش قضاوتی کمتری درباره خود اتخاذ می کنند. همین مسئله باعث پذیرش خود بدون قضاوت می شود و سبب می شود تا نگرانی و دغدغه کمتری درباره بدن خویش داشته باشند. به عبارتی، آموزش ذهن آگاهی با ایجاد تغییر در فرایند توجه می تواند الگوی پاسخ را در زمینه باورهای منفی اصلاح کند. درواقع، ذهن آگاهی با پیشگیری از تحکیم افکار منفی، چرخه افکار منفی را با هدایت افراد به سمت برقراری ارتباط باتوجه به زمان حال متوقف می کند. این تمرکز منابع درونی را که صرف نشخوار فکر می شوند، کاهش می دهد؛ بنابراین واضح است که با کاهش چرخه افکار منفی نگرانی زنان مبتلا به بیش خوری درباره تصویر بدنی شان نیز کاهش می یابد؛ چراکه تمرین های ذهن آگاهی به زنان مبتلا به بیش خوری کمک می کند تا از افکار خودآیند و عادت ها و الگوهای رفتاری ناسالم رها شوند و در سایه ذهن آگاهی توانایی زیادی در مواجهه با دامنه گسترده ای از تفکرات، هیجانات و تجربه ها (اعم از خوشایند و ناخوشایند) پیدا کنند.

یافته های به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد، مداخله مبتنی بر

ذهن آگاهی بر تنظیم هیجان زنان مبتلا به بیش خوری مؤثر است. به عبارتی، آموزش ذهن آگاهی توانسته است در گروه آزمایش درمقایسه با گروه گواه موجب افزایش ارزیابی مجدد و کاهش فرونشانی شود. این یافته با نتایج پژوهش برمال و همکاران همراستا است. آن ها نشان دادند، آموزش ذهن آگاهی می تواند در کمک به کاهش افسردگی، نشخوار ذهنی، بهبود شیوه حل مسئله و تنظیم شناختی هیجان مفید واقع شود (۱۸). تاملینسون و همکاران نیز در تحقیقی همسو با یافته پژوهش حاضر نشان دادند که ذهن آگاهی با سلامت روان، نشخوار ذهنی کم و پردازش و تنظیم هیجان بهتر رابطه مستقیم دارد (۱۵). تنظیم هیجان نیاز به آگاهی مؤثر، درک و وضوح پاسخ های عاطفی دارد و توانایی به رسمیت شناختن و توصیف تجارب درونی در تنظیم مناسب هیجانات مهم هستند؛ همچنین پذیرش عاطفی شامل مواجهه با تمام احساسات، بدون واکنش منفی به احساسات خاص است (۲۴)؛ از این رو آموزش ذهن آگاهی به زنان مبتلا به بیش خوری به دلیل تأکید بر حضور حداکثری و عاری از قضاوت در لحظه حال سبب می شود این زنان ضمن شناسایی احساسات خویش، راهبردهای مناسبی همچون ارزیابی مجدد به منظور مدیریت احساساتشان اتخاذ کنند؛ چراکه ذهن آگاهی باعث می شود زنان مبتلا به بیش خوری ضمن آگاهی از فعالیت های روزمره خود، از طریق آگاهی لحظه به لحظه از افکار و احساسات و حالت های جسمانی شان، بر آن ها گواه پیدا کنند؛ همچنین به دنبال افزایش در آگاهی و گواه بر احساسات و افکارشان، این زنان راحت تر می توانند به تعدیل احساسات منفی یا گواه و تنظیم آن ها بپردازند. به عبارتی دیگر، درمان مبتنی بر ذهن آگاهی با ترغیب فرد به تمرین برای توجه به ویژگی های تجارب به شیوه های خالی از قضاوت، به تعدیل احساسات بدون قضاوت، واضح دیدن و پذیرش هیجانات و پدیده های فیزیکی همان طور که اتفاق می افتد، کمک می کند. در چنین توجهی بر زمان حال، فرد می تواند جنبه های مختلف تجربیات کنونی خود از جمله احساسات حال حاضرش را درک و شناسایی کند؛ بنابراین، آموزش ذهن آگاهی با کمک به این گروه در جهت پذیرش هیجانات و شناخت های مرتبط با شرایط خاص زندگی شان باعث می شود آنان از هیجاناتشان دوری نکنند؛ بلکه فعالانه و آگاهانه آن ها را تجربه کنند. چنین تجربه ای از هیجانات سبب شناخت بیشتر و مفیدتری از آن ها می شود و مشکلات افراد را در شناسایی احساساتشان برطرف می کند. افراد ذهن آگاه چون واقعیات درونی و بیرونی را آزادانه و بدون تحریف ادراک می کنند و توانایی زیادی در مواجهه با دامنه گسترده ای از تفکرات، هیجانات و تجربه ها (اعم از خوشایند و ناخوشایند) دارند، به جای داشتن تفکری عینی درباره هیجانات خود می توانند درکی عمیق از هیجانات و احساسات خود داشته باشند. چنین شرایطی به زنان مبتلا به بیش خوری کمک می کند تا با پذیرش هیجانات و احساسات خود درباره شرایط کنونی زندگی شان به احساسات خویش نزدیک تر شوند و بهتر بتوانند با احساساتشان رو در رو شوند. این امر به آن ها امکان شناسایی و در نتیجه تنظیم بهتر احساسات و هیجانات خود را می دهد.

تحقیق حاضر همچون سایر پژوهش ها در فرایند اجرا با برخی محدودیت ها همراه بود که محدودیت های مهم تر عبارت است از:

مشکلات خوردن به شمار می‌روند؛ لذا توجه هرچه بیشتر متولیان مربوط به حوزه سلامت را به نقش مداخلات مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر ابعاد مختلف سلامت گروه‌های مختلف جامعه محسوس می‌کند.

۶ تشکر و قدردانی

محققان بر خود لازم می‌دانند از همه زنانی که به عنوان شرکت‌کننده در این پژوهش مشارکت داشتند، نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشند.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

در این مطالعه ملاحظات اخلاقی پژوهش همچون محرمانه ماندن مشخصات آن‌ها برای شرکت‌کنندگان بیان شد و رضایت آگاهانه آن‌ها برای شرکت در پژوهش جلب شد.

تراجم منابع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

منابع مالی

این پژوهش صرفاً با هزینه شخصی محققان تهیه شده است و تحت حمایت مالی هیچ سازمان و مؤسسه‌ای قرار ندارد.

مختص بودن نمونه آماری پژوهش حاضر به زنان مبتلا به بیش‌خوری شهر رشت که تعمیم نتایج را به جوامع دیگر با محدودیت مواجه می‌کند؛ همچنین، از آنجاکه داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه گردآوری شدند، امکان ارائه پاسخ‌های سوگیرانه و جامعه‌پسند و ابهام در پاسخ‌دهی به پرسشنامه وجود دارد که می‌تواند یکی از محدودیت‌های تحقیق حاضر قلمداد شود. با توجه به محدودیت‌های تحقیق حاضر پیشنهاد می‌شود، در پژوهش‌های بعدی در این زمینه تحقیقی با این عنوان بر نمونه‌های پژوهشی مختلف از شهرهای دیگر و نیز جنس مذکر صورت گیرد. علاوه بر این، با توجه به اثربخشی آموزش ذهن‌آگاهی بر تنظیم هیجان و نگرانی از تصویر بدن در زنان مبتلا به بیش‌خوری، پیشنهاد می‌شود مشاوران و روان‌شناسان فعال در مراکز دولتی و کلینیک‌های تخصصی این نوع مداخله را در کار با سایر مشکلات و اختلال‌های روان‌شناختی مدنظر قرار دهند.

۵ نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد، مداخله مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر در افزایش تنظیم هیجانی (شامل افزایش ارزیابی مجدد و کاهش فرونشانی هیجانی) و کاهش نگرانی از تصویر بدنی در زنان مبتلا به بیش‌خوری مؤثر است که هر دو متغیر از جمله زمینه‌سازهای

References

1. American Psychiatric Association. Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5. 5th ed. Washington, D.C: American Psychiatric Association; 2013.
2. Sadock BJ, Sadock VA, Ruiz P. Kaplan & Sadock's synopsis of psychiatry: behavioral sciences/clinical psychiatry. 11th edition. Philadelphia: Wolters Kluwer; 2015.
3. Abbasi M, Dargahi S, Ghasemi Jobaneh R, Dargahi A, Mehrabi A, Aziz K. The effectiveness of acceptance and commitment based training on the maladaptive schemas of female students with bulimia nervosa. Archives of Hygiene Sciences. 2015;4(2):86–93. [Persian] <http://jhygiene.muq.ac.ir/article-1-140-en.html>
4. Rodgers RF, Melioli T. The relationship between body image concerns, eating disorders and internet use, part I: a review of empirical support. Adolescent Res Rev. 2016;1(2):95–119. doi:[10.1007/s40894-015-0016-6](https://doi.org/10.1007/s40894-015-0016-6)
5. Fardouly J, Diedrichs PC, Vartanian LR, Halliwell E. Social comparisons on social media: The impact of Facebook on young women's body image concerns and mood. Body Image. 2015;13:38–45. doi:[10.1016/j.bodyim.2014.12.002](https://doi.org/10.1016/j.bodyim.2014.12.002)
6. Carey M, Preston C. Investigating the components of body image disturbance within eating disorders. Front Psychiatry. 2019;10:635–50. doi:[10.3389/fpsy.2019.00635](https://doi.org/10.3389/fpsy.2019.00635)
7. Ivarsson T, Svalander P, Litlere O, Nevenon L. Weight concerns, body image, depression and anxiety in Swedish adolescents. Eating Behaviors. 2006;7(2):161–75. doi:[10.1016/j.eatbeh.2005.08.005](https://doi.org/10.1016/j.eatbeh.2005.08.005)
8. Lewer M, Bauer A, Hartmann A, Vocks S. Different facets of body image disturbance in binge eating disorder: a review. Nutrients. 2017;9(12):1294. doi:[10.3390/nu9121294](https://doi.org/10.3390/nu9121294)
9. Kristjánsdóttir H, Sigurðardóttir P, Jónsdóttir S, Þorsteinsdóttir G, Saavedra J. Body image concern and eating disorder symptoms among elite Icelandic athletes. International Journal of Environmental Research and Public Health. 2019;16(15):2728. doi:[10.3390/ijerph16152728](https://doi.org/10.3390/ijerph16152728)
10. Monell E, Clinton D, Birgegård A. Emotion dysregulation and eating disorders-Associations with diagnostic presentation and key symptoms. Int Journal of Eating Disorder. 2018;51(8):921–30. doi:[10.1002/eat.22925](https://doi.org/10.1002/eat.22925)
11. Abbasi M, Dargahi S, Ghasemi Jobaneh R, Ashtari Mehrjardi A. Effective of emotional regulation on psychological wellbeing and marital satisfaction of Iranian infertile couples. J Research & Health. 2016;5(4):60–9. [Persian] <http://jrph.gmu.ac.ir/article-1-733-en.html>
12. Levitan RD, Davis C. Emotions and eating behaviour: Implications for the current obesity epidemic. University of Toronto Quarterly. 2010;79(2):783–99. doi:[10.3138/utq.79.2.783](https://doi.org/10.3138/utq.79.2.783)

13. Dingemans A, Danner U, Parks M. Emotion regulation in binge eating disorder: a review. *Nutrients*. 2017;9(11):1274. doi:[10.3390/nu9111274](https://doi.org/10.3390/nu9111274)
14. Segal ZV, Williams JMG, Teasdale JD. *Mindfulness-based cognitive therapy for depression*. Second edition. New York; London: Guilford Press Pub; 2018.
15. Tomlinson ER, Yousaf O, Vittersø AD, Jones L. Dispositional mindfulness and psychological health: a systematic review. *Mindfulness*. 2018;9(1):23–43. doi:[10.1007/s12671-017-0762-6](https://doi.org/10.1007/s12671-017-0762-6)
16. Moradi M, Samari A. Effectiveness of mindfulness-based cognitive therapy on clinical syndrome and body image in women with bulimia nervosa. *Journal of Fundamentals of Mental Health*. 2017;19(5):394–400. [Persian] https://jfmh.mums.ac.ir/article_9308.html?lang=en
17. Zamzami A, Agahheris M, Janbozorgi M. The investigation efficacy of behavioral-mindfulness-acceptance intervention on modifying negative body image and self-schema among female students. *Pejouhandeh*. 2015;19(6):304–11. [Persian] <http://pajooohande.sbm.ac.ir/article-1-1861-en.html>
18. Barmal F, Salehi J, Tabibi Z. Effectiveness of mindfulness training on rumination, problem-solving styles, and cognitive emotion regulation persons with depression. *Psychological Studies*. 2018;14(2):91–107. [Persian] https://psychstudies.alzahra.ac.ir/article_3477_en.html?lang=en
19. Kessler RC, Berglund PA, Chiu WT, Deitz AC, Hudson JI, Shahly V, et al. The prevalence and correlates of binge eating disorder in the world health organization world mental health surveys. *Biological Psychiatry*. 2013;73(9):904–14. doi:[10.1016/j.biopsych.2012.11.020](https://doi.org/10.1016/j.biopsych.2012.11.020)
20. Borjali M, Abbasi M, Asadian A, Ayadi N. Effectiveness of group logo therapy on the anxiety of death and life expectancy of patients with stomach cancer. *Jundishapur Scientific Medical Journal*. 2017;15(6):635–46. [Persian] http://jsmj.ajums.ac.ir/article_45373_en.html
21. Gross JJ, John OP. Individual differences in two emotion regulation processes: implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*. 2003;85(2):348–62. doi:[10.1037/0022-3514.85.2.348](https://doi.org/10.1037/0022-3514.85.2.348)
22. Mashhadi A, Gasemipoor A, Akbari E, ElBeigi R, Hasanzadeh S. The role of anxiety sensitivity and emotion regulation in prediction of students social anxiety disorder. *Knowledge & Research in Applied Psychology*. 2013;14(2):89–99. [Persian]
23. Littleton HL, Axsom D, Pury CLS. Development of the body image concern inventory. *Behaviour Research and therapy*. 2005;43(2):229–41. doi:[10.1016/j.brat.2003.12.006](https://doi.org/10.1016/j.brat.2003.12.006)
24. Jamshidian Y, Kiani A, Dargahi S. Relationship of cognitive emotion regulation and meaning in life with health anxiety among emergency nurses. *Health in Emergencies and Disasters*. 2018;3(4):199–205. [Persian]